



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۳/۱۹

محمد ولی آریا

## یک صلح پر تلاطم

پیمانی به نام صلح به امضاء رسید؛ اما محلی که باید صلح در آن استقرار یابد، نامعلوم ماند. مردم افغانستان تصور می کنند این مقاله، آرامشی را برای آنها به ارمغان خواهد آورد؛ اما در متن پیمان، هیچ کلمه ای از صلح و امنیت برای ملت افغانستان سراغ نمی شود. شاید عده ای بگویند، این مقاله، بین طالبان و ایالات متحده است، نه ملت افغانستان، که باید پرسید پس صلح در کجا؟، اگر این صلح در افغانستان است، اینجا ملت ملیونی ای زندگی می کند که حیات و ممت آن به این سر زمین بسته است که کوچکترین تصمیمی در مورد این کشور، بر سرنوشت این ملت می غلند. در حالیکه در متن موافقت نامه، از صلح در افغانستان خبری نیست و صرفاً بر این نکته پا فشرده شده است که طالبان دیگر از خاک افغانستان، ایالات متحده و متحدین آنرا مورد حمله قرار نخواهد داد.

اگر قوای نظامی ایالات متحده و ناتو بر طبق موافقت نامه شان با طالبان، تا چهارده ماه دیگر افغانستان را ترک بگویند، آیا پس از آن چگونه خطری از جانب طالبان آنها را تهدید خواهد کرد؟، چه مشهود و مبرهن است که طالبان و حامیان بیرونی آن به هیچ صورتی توانایی و کفایت به خطر اندازی امنیت ایالات متحده و جهان غرب را با همه تأمینات امنیتی و تحفظی نظامی، اقتصادی و سیاسی آنها ندارند. پس چرا چنین، بر یک خطر "موهوم" پافشاری می شود؛ اما در مورد یک خطر "موجود" بر حیات مردم افغانستان بی اعتنائی صورت می گیرد. بخصوص که لحن موافقت نامه چنان است که گویا طالبان بعد از تطبیق آن، احتمالاً واجد همان هویت و موقعیت سیاسی مقتدر شبیه قبل از مداخله ایالات متحده در افغانستان خواهند بود که خواهند توانست باز ملتی و یا کشوری را به خطر مواجه سازند، که این خود خطر نهفته دیگری است که قیافه آن از بین سطور موافقت نامه، خود نمائی می کند. چنانچه ایالات متحده از تأکید صریح بر حکومت منتخب افغانستان طفره می رود و می کوشد حکومت افغانستان را در بین یک مثلث مغشوش قدرت (حکومت مرکزی، حکومت بی بنیاد موازی و طالبان) در تعلیق نگه دارد، همان است که در متن پیمان، حکومت قانونی و مسؤول افغانستان را که یک مرجع اصولی تمثیل اراده ملی در مقاولات سیاسی است، خاموش نگه می دارد و از یک اصطلاح فاقد اصول حقوق اساسی یعنی مذاکرات «بین الافغانی» که حایز هیچ مفهوم سیاسی و واجد هیچ هویت مشخص حقوقی نیست و فاقد هرگونه شیوه دموکراتیک و اصولی در گمارش و گزینش نمایندگان مسؤول ملی می باشد، حرف زده می شود، که هر طرف مدعا می تواند آنرا بر طیب خاطر خویش تفسیر و تعمیم کند، که مطمئناً زمینه یک انارشی مخرب را در فضای سیاسی افغانستان مساعد خواهد ساخت تا بعداً همه را متیقن و مجاب سازند که قابلیت صحبت بر سرنوشت ملت افغانستان، در بین ملت افغانستان وجود ندارد، تا باز پای همان حکمیت های استعماری بیگانگان را در مورد سرنوشت و آب و خاک افغانستان بگشایند و این ملت را گروگان این و آن بسازند. چنانچه در ماده سوم بخش سوم این موافقت نامه به صراحت تذکر رفته است که: «ایالات متحده به دنبال همکاری اقتصادی با حکومت اسلامی جدید پسا توافق که توسط مذاکرات بین الافغانی تعیین می شود برای باز سازی افغانستان خواهد بود و در امور داخلی آن مداخله نخواهد کرد».

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

از این متن چنین مستفاد می شود که ایالات متحده، مردم افغانستان را وادار می کند تا به یک حکومت جدید پسا توافق بین الافغانی تن بدهند، که به صراحت بازگوینده آن است که انتخابات کنونی و نتایج آنرا به دور خواهد ریخت و ناکامی انتخابات را در افغانستان، دلیل احتراز و گریز از انتخابات آتی خواهد ساخت و هیچ پروسه دموکراتیک در تعیین یک پیکره سیاسی در کشور مطرح نخواهد بود، بلکه یک حکومت جدید بر اساس توافق، مشمول زورمندان، قوماندان الطوایف و کاسبکاران سیاسی، طالبان و احیاناً رژیم مستضعف، بر مردم افغانستان تحمیل خواهد گشت و کلیه دستاورد های نیم بند حقوقی و سیاسی، دستخوش یک ساختار متلاطم بین الافغانی خواهد شد، که تا حال یک حکومت دو سره را بر سرنوشت ملت افغانستان تحمیل کردند که نتایج آنرا همین اکنون می چشیم، هرگاه بعد از این یک حکومت «شتر گاو پلنگ» سه سره، افغانستان را میدان کشمکش بسازد، چه سرنوشتی خواهیم داشت.

شاید کسانی که قادر به دیدن منظره کلی اوضاع سیاسی کشور نیستند و یا دیدگاه های شان بر پیش پای شان دوخته است و یا منافع شان با بحران سیاسی در افغانستان هماهنگ است، چنین استدلال کنند که هنوز انتخابات ریاست جمهوری افغانستان به نتیجه نرسیده است و برنده و بازنده آن تا حال معلوم نیست، که باید پرسید، آیا کسی می تواند تضمین کند که طرف بازنده هرگز تسلیم واقعیت خواهد شد، و آیا چند ماه دیگر را باید به نتایجی که با خیره سری دستوری، تردید خواهد شد، به هدر داد. بخصوص در این مقطع حساس حیات ملت افغانستان که باید یک پیکره ثابت سیاسی در کشور موجود و متباز باشد تا حد اقل یک بنیه نسبتاً قابل اعتماد، از سرنوشت حال و آینده افغانستان نمایندگی کند. باز آنچه بیشتر تشویش برانگیز است که معلوم می شود این پروسه صلح، زمانی مطرح و امضاء می شود که افغانستان در گیر و دار نتیجه یک انتخابات است که مبین آن است، این روند، در موجودیت یک قدرت جهانی و یک گروه مسلح دهشت افکن و در برابر یک حکومت به پایان رسیده و هنوز نا پذیرفته قدرتمندان، در حقیقت خود حاکی از آن است تا مردم افغانستان در یک سه کنجی ناچار قرار داده شوند. آیا در چنین مرحله حساس سرنوشت کشور و حیات سیاسی ملت افغانستان، بلند کردن صدای یک حکومت موازی در تضعیف قدرت مرکزی در افغانستان یک جفای قصدی و عمدی با منافع بحرانی و مصالح لرزان ملی نیست؟ که نشان می دهد این اقدام یا جزو طرح بی ثبات سازی کشور و تضعیف موقف ملت در تعیین سرنوشت آن است و یا ممد و مددگار بحران و تلاطم سیاسی ای است که همه بیگانگان مغرض می خواهند از این خندق سیاسی در افغانستان ماهی بگیرند.

پایان